

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شاه شاه در توطئه امپریالیسم در منطقه

حکومت مستبد شاه در مقابله با جنبش ضد استبدادی مردم ایران علاوه بر اسلحه گرم و سرد از وسائل دیگری نیز استفاده میکند. در شمار این توطئه‌ها سکوت و کتمان اخبار، مقام اول را دارد. رژیم در درجه اول تا آنجا که بتواند از پخش اخبار مربوط به مقاومت ضد استبدادی مردم ایران جلو گیری میکند و میخواهد مدعی شود که بقول معروف «بر سر این قوم خاک مرده پاشیده‌اند» و ایرات «گورستان سکوت» و «جزیره

حوادثی که امروز در خاور نزدیک و میانه» مستقیماً در سرنوشت مین ما و آینده آن نبردی که اکنون بین نیروهای مترقی دنیایی یسکو، امپریالیسم آمریکا و اسرائیل از سوی گرفته است. برای تمام کشورهای این منطقه نوشت ساز دارد. پیروزی امپریالیسم آمریکا و رالیایی آن خرابین نبرد، خاور نزدیک و میانه را بیش‌بازداره نفوذ امپریالیسم میکشاند و بازم بیشتر شته یوغ بردگی نو استعماری ایالات متحده کشورهای امپریالیستی را بگردن آنان مینهد. امپریالیستها بمنطقه خاور نزدیک و میانه بدلایل اقتصادی اهمیت خاصی میدهند و تمام کوشش برای تسلط بر کشورهای این منطقه بکار میبرند. پشتیبانی نامحدود امپریالیستهای آمریکائی از اسرائیل و تا دنبال میکند و آن بازگرداندن آب‌رفته هریالیسم در این منطقه حساس جهان است. در نظر امپریالیستهای آمریکائی اسرائیل شمشیری ه باید دائماً در بالای سر کشورهای خاور نزدیک آویزان باشد تا بفکر سرپیچی از تمایلات سم آمریکا نیافتند. دیپلوماسی آمریکا تمام سلاح‌هایی را که در زراد خانه پوش ذخیره دارد، برای تأمین این مقصود آورده است. از یسکو رئیس جمهور آمریکا دانی پر از وعد و وعید به این منطقه شده است. تا برای تقویت محور قاهره - خائنان دیگری چون سادات در میان سران عرب از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا ارتجاع عرب سرسپرده و خود فروخته ای مانند شاه ایران شکستن مقاومت نیروهای مترقی دنیایی عرب برانگیخته است. اسرائیل، ارتجاع عرب و شاه به واحلی بر ضد نیروهای مترقی دنیایی عرب داده و هر یک در سناریوی دیپلوماسی واشنگتن اصلی بپنده گرفته اند.

بنا بر این شگفت انگیز نیست که شاه طی ماههای اخیر برای اجرای استراتژی امپریالیسم در تفرقه افکنی بین نیروهای اعراب و ایجاد شکاف در جبهه آفت بفعالیت گسترده ای دست زده است. مسائل خاور نزدیک یکی از مهمترین موضوع هلی مذاکره شاه و کارتر در واشنگتن و تهران بوده است. اقدامات شاه در دنباله این مذاکرات نشان میدهد که واشنگتن - لال اوو - تهران طبق طرح واحدی و در ارتباط نزدیک با یکدیگر عمل میکنند. بین پیشنهاد هلی بکین، گفته هلی کارتر و اقدامات شاه هم آهنگی آشکار چشم میخورد.

شاه بد ستور کارتر ملک حسین را به تهران دعوت نمود، تا مشترکاً او را به پشتیبانی از بکین و سادات تشویق کنند. کارتر در مصاحبه خود با تلویزیون آمریکا صراحتاً این مطلب را اظهار داشت. در همانروز نوشته روزنامه هلی غربی موشه دایان وزیر امور خارجه اسرائیل مخفیانه به تهران پرواز نمود، تا نظر دولت اسرائیل را در مورد طرح «صلح» بکین و جدونی که اسرائیل آماده است به اردن «گشت» کند. باطلاع توطئه گرانی که در تهران گرد آمده بودند برساند (هرچند حکومت شاه بعداً این خبر را تکذیب نمود، اما هیچ کس تکذیب حکومتی را که پروانی از دروغگوئی ندارد چلی تلقی نمود).

دیپلوماسی آمریکا بی‌دلیل ملک حسین پاد شاه اردن را بعنوان نخستین طعمه برای پشتیبانی از سادات و بکین انتخاب و بتهران دعوت نکرده بود. روابط «برادرانه» اش با شاه نوید میداد که او را آسانتر بتوان بجدائی از سایر کشورهای عربی «مقنعه» ساخت. اما ملک حسین با تمام وابستگی هلی خود با امپریالیسم روسنید تر از شاه خائن ایران از اجلاس «سران سه دولت» بیرون آمد و پیشنهاد کارتر و شاه دنباله در صفحه ۲

رژیم به دریافت وامهای زیانبار ادامه میدهد

در اواخر آخر ماه «هشتمین اجلاس» کمیسیون همکاری اقتصادی ایران و شوروی، در مسکو به کار ن داد. در جلسه نهائی این کمیسیون پروتکلی ادامه و بسط همکاریهای اقتصادی و فنی دو کشور هلی آینده به تصویب رسید که از طرف ایران گمانه وزیر اقتصاد و بازار گانی ایران و از جانب روی اسکاچکوف رئیس کمیته دولتی شورای وزیران روی مربوط به همکاری اقتصادی با کشورهای آرا امضاء کردند. در جلسه نهائی کمیسیون دائمی همکاری اقتصادی شوروی که این پروتکل به امضاء رسید، طرفین شوروی خرسندی خود را از موقعیتهایی که در همکاری هلی اقتصادی و فنی و مبادلات بازار گانی و کشور بدست آمده ابراز داشتند. مواد این که برای ادامه و بسط این همکاریها در سالهای تصویب رسیده، نمودار همکاریهای فنی و اقتصادی شوروی در آن زمینه هالیست که به تقویت اقتصاد ملی و ثبات توازن بازار گانی ایران میکند. روابط اقتصادی و همکاریهای فنی اتحاد شوروی هلی سرمایه داری مبتنی بر اصول سیاست مسالمت آمیز میان کشورهای دارای نظامهای متفاوت است که برابری حقوق و نفع متقابل با توجه به تقویت اقتصاد مستقل ملی و گسترش

شیوه های مقابله رژیم دیکتاتوری با مبارزات مردم ایران

«موجودیت کشور را بر هم میزنند، سرکوب نمود. ولی مردم سوال میکنند: اگر ۱۷ نفر، میتواند اکثریت مطلق دانشجویان را «گمراه» نموده بسوی خود جلب کند؟ پس چرا محمد رضا شاه نمیتواند با هزاران مأمور این همه پول و وسائل دانشجویان را به تحمل شیوه استبدادی وا دارد؟ در واقع در این مبارزه کسی کسی را جلب نکرده، نفرت علیه استبداد است که مردم را مجذوب خود ساخته است. آنگاه که تیر تحریف به سنگ میخورد، تهدید آغاز میگردد. جناح «پیشرو» رستلخیز از زبان مجیدی میگوید: باید «پاسخ شمشیر» را چه سرخ و چه سیاه داده و انصاری از جناح «سازنده» عوامفریبی هلی «قضای سیاسی تازه» را «کنترل گذاشته» مدعی میشود فلا کنی که مردم زیر یوغ استبداد با دنباله در صفحه ۲

ثبات است» و هنگامیکه مبارزه مردم رژیم را بشکستن توطئه سکوت و امیدارد، جز تحریف و تهدید و تحریک کلمه‌های واقعیت از رسانه هایش پخش نمیشود. رژیم میکوشد چنین وانمود سازد که اولاً - مخالفان دیکتاتوری نه توده هلی عظیم مردم، بلکه فقط «عده انگشت شماری دانشجوی ناراحت» و «عمال بیگانه» هستند که (مثلاً در مدرسه عالی کامپیوتر) تعداد آنها از ۱۷ نفر تجاوز نمیکند و ثانیاً - علت «افشاشات» نه نفرت مردم علیه استبداد، بلکه «ضعف جامعه دانشگاهی» است که نمیتواند «محرک خارجی» را خشی سازد و خواست این «آشوبگران» هم نه مسئله حیاتی و بنیادی مانند برکناری استبداد و استقرار دموکراسی، بلکه امر «ساده و بیش یا افتاده» است. از قبیل «اصلاح نحوه آموزشی» و «لذا» باید این «چند نفر محرک» را که بهانه ای چنین جزئی

رژیم به دریافت وامهای زیانبار ادامه میدهد

شرکت ملی پتروشیمی دریافت خواهد کرد حدود ۹ درصد است! - کشور هلی امپریالیستی وام و اعتبار را فقط به شرط خرید کالا از کشور وام دهنده پرداخت میکنند و این کالاها معمولاً ۲۰ درصد گرانتر از قیمتهای بین المللی فروخته میشود (مطابق اعلام «کمیسیون پیرسون» که از جانب بانک جهانی مأمور بررسی این موضوع بود): - اصل و بهره وامها باید به ارز خارجی پرداخت شود؛ - اعطای وام و اعتبار در موارد بسیار با سرمایه گذاری مستقیم همراه است؛ - واگذاری وام با تحمیل رشته هلی مورد نظر کشور هلی وام دهنده توأم است؛ - دادن وام به بررسی و تصویب برنامه‌های کشور وام گیرنده مشروط میشود، که با حق حاکمیت و استقلال کشور وام گیرنده مغایرت دارد؛ - وامها و اعتبارات کشورهای امپریالیستی با تحمیل شرایط سیاسی معینی همراه است. تمام اینها بهت وابستگی مالی «فنی» اقتصادی و سیاسی کشورهای وام گیرنده میشود. مصاحبه‌ای که مجله «نیوزویک» در سال ۱۳۵۳ با رابرت مک‌نامارا، رئیس بانک جهانی انجام داد، خلصت و ماهیت وامهای کشورهای امپریالیستی را بخوبی آشکار میسازد. مک‌نامارا در پاسخ این سوال که وامهای این بانک چه تأثیری در پیشرفت اقتصادی کشورهای در حال رشد و پر کردن شکاف میان کشورهای فقیر و غنی داشته است، بصراحت گفت: «ما هیچ کاری برای پر کردن این شکاف نمیتوانیم بکنیم» حتی برای کاهش این فاصله هم کاری از دستمان برنمیآید. راستش این وظیفه ما نیست! اما در مورد جنبه‌های سیاسی این وامها، خود مجله در مقدمه‌ای که بر این مصاحبه اضافه کرده، پس از اشاره باینکه به درخواست وام عده‌ای از کشورهای اسخ‌منشی داده شده، می‌نویسد: «معلوم شده که اگر با آنها موافقت میشد، منافع آمریکا بخطر میافتاد و یا از بین میرفت».

عواقب زیانبخش وامهای کشورهای امپریالیستی چنان عیان است، که حتی «تهران اکونومیست» بارها مخالفت خود را با آن اعلام کرده است. چنانکه این مجله در اسفند سال ۱۳۵۲ نوشت: «همانطوریکه در سالهای گذشته که در آمد نفت ماکم بود، اظهار نظر کردیم، اصولاً با اخذ این قبیل وامها موافق نیستیم، خاصه آنکه با یک سیاست صحیح‌پولی و ارزی میتوانیم از اخذ وامهای خارجی بی‌نیاز شویم» و این قبیل وامها «برای یک کشور بی نیاز از ارز خارجی» وام مثبت و مفیدی نیست. «تهران اکونومیست» زمانی این را می‌نوشت که درآمد ایران از نفت کمتر از ۵ میلیارد دلار بود، ولی اکنون این درآمد به بیش از ۲۳ میلیارد دلار رسیده است. دنباله در صفحه ۲

بطوریکه در مطبوعات ایران منعکس شد، دولت در نظر دارد وامهای تازه ای به مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار از بازارهای بین المللی دریافت کند. این وامها پس از تأیید شرایط آنت توسط «کمیته اخذ وامهای خارجی»، که از نمایندگان وزارت اقتصاد و دارائی سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی تشکیل شده، بوسیله مؤسسات مربوطه (شرکت مخابرات ایران، شرکت ملی پتروشیمی ایران، بانک اعتبارات صنعتی و بانک توسعه کشاورزی) اخذ خواهد شد. ما بارها مخالفت خود را با اخذ وام و اعتبار از کشورهای امپریالیستی بهت عواقب اقتصادی و سیاسی زیانبار ناشی از شرایط واگذاری آنها، اعلام کرده‌ایم و در اینجا به برخی از آنها اشاره میکنیم: - به وامها و اعتبارات کشورهای امپریالیستی به‌رژیم زیاد تعلق میگیرد (مثلاً نرخ بهره وامی که

ما گلوله باران مردم در قم را بشنت محکوم میکنیم

در تظاهرات وسیعی که اخیراً در شهر قم از سوی مبارزات ضد رژیم انجام شد، جلادان مسلح شاه وحشیانه مردم را آماج رگبار گلوله قرار دادند، در نتیجه بنا به اطلاع خبرگزاری‌ها و مطبوعات خارجی ۱۰۰ نفر از هم میهنان مبارز ما کشته، ۵۰۰ نفر مجروح و ۱۴۰۰ نفر بازداشت شده اند. گلوله باران نمایشهای مسالمت آمیز مردم نشانه ضعف و ترس رژیم است. نشانه آن است که سیاست خدعه گرانه عدم دخالت صوری نیروهای انتظامی و انداختن چماق بدست هلی ساواک بجای مبارزان هم، فردی از رژیم هوا نکرد و رژیم منفرد از مردم مجدداً به شیوه قتل و کشتار جمعی بازگشته است.

ما بشنت جنایت تازه رژیم را محکوم میکنیم. مردم دلوار ایران برای احیاء دموکراسی و قانون اساسی به مبارزه خود همچنان ادامه خواهند داد.

فرد پرشور بر مبارزان دلیر مین ما! بیروز باد مبارزه خفهای پیکارجوی ایران! سرنگون باد رژیم ترور و اختناق!

دنباله در صفحه ۲

نقش شاه در توطئه امپریالیسم ...

را در مورد تأیید اقدامات سادات عجالتاً پذیرفت. سپس شاه بقاهره و ریاض سفر نمود تا این دو قطب مرتجع را بهمکاری با یکدیگر دعوت کند. اما شاه از این سفر لال مبالغه نیز سودی حاصل ننمود. عربستان سعودی در مواضع سابق خود باقی ماند.

نتایج نخستین مرحله تعرض دیپلماتیک امریکا در خاور نزدیک که با صتیری اسرائیل و شاه ایران انجام گرفت نشان میدهد که این تعرض با شکست مواجه شده، سادات در دنیای عرب مقتدر و شاه بعنوان عامل امپریالیسم رسوا گردیده است. تبلیغات رژیم میکوشد این نقش کیفی شاه را کوششی برای حفظ صلح در منطقه‌ای که کشور هلی آف بیش از هر چیز صلح نیاز دارد، وانمود کند. روزنامه‌های زبان بسته و سانسور زده تهران دانشجویان میهن پرستی را که بر ضد سیاست تسلیم طلبانه سادات تظاهر کرده‌اند، عامل اجنبی نامیده می‌نویسند کدام انسان شریفی است که بتواند با برقراری صلح مخالفت کند؟ بحقیقت «صلح‌دوستی» شاه هنگامی میتوان بخوبی پی برد که بتلاش او برای تحریک جنگ برادر کشی در شاخ افریقا نظر افکنیم. شاه کشور های عربی را بتسلیم در برابر تجاوز مسلم اسرائیل دعوت می نماید و از تجاوز سومالی که ارتش دهها کیلومتر در خاک حبشه پیش رفته است پشتیبانی میکند. سفرش بعراق بنوشته تایید لندن برای مذاکره در باره ارسال اسلحه بسومالی بوده است.

موضوع رفع «ابهام کتونی» شاخ افریقا چنانکه روزنامه اطلاعات می‌نویسد یکی از مهمترین مسائل مذاکرات شاه و کارتر را در تهران تشکیل میداده است. اطلاعات می‌نویسد شاه پیام «زیاد باره» را با پرزیدنت کارتر در میان خواهد نهاد و بالتبیین پیام رهبر سومالی برای پرزیدنت کارتر با مساعدت شاهنشاه، موضع امریکا در قبال بحران شاخ افریقا نیز با احتمال قوی تا حدود قابل توجهی از ابهام کتونی در خواهد آمد ... کارشناسان سیاسی باین نتیجه رسیده‌اند که دیدار مهم رهبران ایران و امریکا، این نکته حساس را در تهران روشن خواهد ساخت، اطلاعات می‌افزاید: دو کشور (امریکا و ایران) بیش از هر زمان دارای عواملی هستند که آنها را یکدیگر نزدیک میکند. در درستی این گفته چلی تردید نیست. اما این عوامل چیستند؟

چه چیز شاه ایران را بنزدیکی و یا بهتر بگوئیم به تمکین مطلق در برابر امپریالیسم امریکا وامیدارد و چه چیز امپریالیسم امریکا را که با همه تأکیدیهای گذشته هنوز لاف قدر قدرتی و سیادت جهانی می‌زند وادار میکند که کارتر را باین دوره گری بفرستد. شاه و امپریالیسم امریکا امروز بیش از هر زمان دیگر بهم محتاجند. امپریالیسم امریکا یکی از بحرانی ترین ادوار تاریخ خود گام می‌نهد. ۳۰ میلیارد دلار کسر موازنه بازرگانی، تورم روز افزون، کاهش پی در پی قیمت دلار، بحران انرژی، فشار رقابت فزاینده ژاپن و آلمان فدرال، مبارزه کشورهای «دنیای سوم» برای برقراری تعادل قیمت مواد خام و کالاهای صنعتی، امپریالیسم امریکارا در چنان تنگنای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار داده است که دیگر نمیتواند سیاست‌های ماجراجویانه‌ای نظیر جنگ وینتام دست بزند و ناگزیر است که بگفته بیزینسی یکی از ستونهای حکومت کارتر سیاست خارجی و سم‌تری که پس‌گویی تغییرات کتونی جهان و تحولات آن باشد، در پیش گیرد. نصف امپریالیسم امریکا آنرا به استفاده و سیمتر از «دوستان» وفادارش وادار کرده است.

شاه ایران و رژیم ساخته‌شده و نیامروز با دشواریهای بسیاری، بخصوص در زمینه سیاست داخلی و روبرو هستند. مبارزه مردم ایران در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک با مرحله تازه‌ای گذارده است. پیچ‌سکوت آهسته آهسته میشکند.

خلفای کشورهای همسایه نیز از سیاست شاه که ایران را بانبار سلاحهای امریکائی تبدیل کرده و آسایش آنرا بنظر افکنده است ناراضی هستند، شاه میخواهد در ازای خوش خدمتی هایش بامپریالیسم امریکا بیش از پیش پشتیبانی آنرا نسبت بسایست ضد ملی و ضد دموکراتیک خود جلب کند. حکومتی که میان خلق خود باینکاسی ندارد سبک ناگزیر به نیروهای خارجی متوسل میگردد. تبارش بشاه و شاهامپریالیسم امریکا تکیه میکند. اما این را نیز تجربه تاریخ به

در باره توسعه روابط اقتصادی ...

در نظر گرفته شده است که از امکانات کارخانه‌اشین سازی اراک با همکاری فنی و شرکت کارشناسان شوروی طرحهای صنعتی جدیدی در ایران اجرا گردد. موضوع همکاری دو کشور در احداث قسمت شمالی خط دوم شاه اوله گاز از مسائلی بود که در اجلاس کمیسیون مورد بررسی قرار گرفت.

در اجلاس سیالیه کمیسیون همکاری اقتصادی ایران و شوروی مسئله احداث نیروگاه حرارتی-رسانه در اهواز و ساختمان یک نیروگاه حرارتی در اصفهان به ظرفیت ۸۰۰ هزار کیلووات که مذاکرات فنی آن پس‌زوی به انجام خواهد رسید، مورد بررسی قرار گرفت. این نیروگاهها از طرف سازمانهای شوروی احداث خواهد شد. چنانکه در پروتکل ذکر شده است طرف شوروی آمادگی خود را برای همکاری و کمک فنی در ساختمان سایر طرحهای صنعت نیرو در ایران مجدداً تأیید نمود و بر همین زمینه در مورد اتصال شبکه های برق دو کشور و تبادل انرژی برق مذاکراتی بعمل آمده که طرف شوروی آمادگی خود را برای اعزام گروه کارشناسان نیروی برق شوروی جهت مطالعه این طرح در نیمه اول سال ۱۹۷۸ به ایران اعلام نمود.

استفاده از منابع آبهای مرزی واحداث سد از مسائلی بود که در اجلاس کمیسیون همکاری اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. طرفین رضایت خود را از اجرای مفاد قرارداد مربوط به تهیه طرح‌های و نقشه‌های اجرای سد مخزن «خدا آفرین» و مطالعات فنی و اقتصادی و تهیه طرح نهائی سد «قرقانه» بر روی رود ارس ابراز داشتند و در مورد اتخاذ تدابیر لازم جهت اجرای بموقع طرح‌های طرحی سد مذکور به توافق رسیدند. در مورد بهره برداری مشترک از رودخانه «هربرود» تصریح گردید که مطالعات مربوط به ایجاد سد انحرافی در محل دولت آباد به اتمام رسیده و گزارش توجیهی فنی و اقتصادی مربوط به آن در ماه ژانویه ۱۹۷۸ به طرف ایران تسلیم خواهد شد. مطالعات فنی مربوط به ایجاد سد مخزنی در منطقه «دل خاتون» بر روی رود اترک بزودی به انجام خواهد رسید و گزارش مسیوط و اقتصادی مربوط به استفاده مشترک از منابع آب این رودخانه که توسط کارشناسان شوروی تهیه شده در ماه ژانویه به طرف ایران تسلیم خواهد شد.

کمیسیون آغاز مذاکرات میان سازمانهای شوروی و ایرانی در باره همکاری در زمینه اکتشافات زمین شناسی برای کشف اورانیوم در مناطق ایران نزدیک به مرز اتحاد شوروی راضیات بخش دانست. طرف شوروی آمادگی خود را برای همکاری در توسعه ظرفیت سیلوهایی موجود واحداث سیلوهایی جدید در ایران با ظرفیت کل ۲۰۰ هزار تن اعلام داشت. در مورد بازرگانی خارجی کمیسیون وضع و شرایط کتونی و فزونی روابط بازرگانی میان دو کشور را مورد بررسی قرار داد و از پیشرفت و توسعه آن بر اساس رعایت منافع متقابل و حفظ توازن و توجه به هدفهای دراز مدت آن اظهار رضایت نمود.

طرفین توسعه روابط در زمینه حمل و نقل کالا های صادراتی و وارداتی و ترانزیتی میان دو کشور را مورد بررسی قرار داده برای گسترش و تسهیل بیشتر این روابط به توافقاتی رسیدند. در این زمینه مسئله احداث شبکه راه آهن در منطقه شمال شرقی ایران و اتصال آن به شبکه راه آهن اتحاد شوروی و توسعه ظرفیت بندری ایران در دریای خزر با کمک و همکاری فنی اتحاد شوروی مورد بررسی قرار گرفت.

حزب توده ایران بر آنست که همکاریهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی با ایران به تسریع پیشرفت صنایع و کشاورزی استحکام پایه های اقتصادی و فنی تیرو های مولد میهن‌ماساعت میکند و بهین‌جهت بر طبق مواضع اصولی خود این همکاریها را سودمند می‌شود و جانبدار بسط و گسترش آنهاست. ق. پیروز

اثبات رسانده است که امپریالیسم در شرایط امروز جهان نمیتواند حکومتی را که در سمت مخالف منافع توده‌های مردم گام بر میدارد برای دوران طولانی سرپا نگاه دارد.

خلفای ایران با سابقه یک قرن مبارزه بر ضد استعمار و امپریالیسم هرگز سیاست خائنه شاه که سربر انداخته امپریالیسم امریکا گام بر میدارد گردن نخواهد گذارد و به آرمان آزادی و استقلال خلفای عرب که اکنون از ناحیه سیاست امپریالیستی امریکا در معرض مخاطره

شیوه های مقابله رژیم دیکتاتوری ...

پوست و گوشت خود احساس میکنند واقعت ندارد و این مردم «حق ناشناس» تحت رهبری شاه «ره صد ساله» را یک شبه طمی میکنند و خود از این «طی الارض» (۱) بی خبرند. باهتری دبیر کل سابق حزب رستاخیز اعلام میدارد: «تازمانی که دانشجویان نخواهند مصالح خود، خانواده و مملکتشان را تشخیص بدهند، ادامه تحصیل برای آنان امکانت پذیر نخواهد بود» و معیار این تشخیص هم سکنش به درگاه استبداد شاه است که حتی گامشگانی چون باهتری را هم به پیشی نمی‌گیرد و بحکم اشتباهی معده استبدادی یکشنبه از اوج «مقام» بر حسیض ابهام می افکند. در میان این گروهو خاک، اعلامیه نایب التولیه دانشگاه صنعتی پدین مضمون انتشار می یابد: «در صورت بروز هر گونه آشوب واغشاش در محیط دانشگاه و یار خوابگاه‌ها و همچنین انتشار و پخش بیانیه‌های تحریک آمیز یا ضد ملی و غیر مجاز ... دانشگاه و حتی دانشگاه بهر مدتی که لازم تشخیص داده شود تعطیل خواهد شد». نایب التولیه با همین لحن سواکی اعلام مینماید: «متظلقین از دستور ییبرنگ و برای همیشه از دانشگاه اخراج خواهند شد» - اعلامیه‌های همانند اختلاریه‌هاییکه ارتش هیتلر در سرزمین هلی اشغالی برای جلوگیری از مبارزات ضدفاشیستی پخش می‌نمود.

سلاح دیگر رژیم تحریکات است. مقامات حاکمه مدعی میشوند که مخالفان استبداد دست به «تخریب» زده‌اند. پروو کاتوره‌های رژیم عمداً شیشه‌ها و پنجره‌ها را میشکنند و آنگاه نوسنده نامداری چون محمودانندازده (به آذین) وفروندش را با اتهام خنده آورو نفرت‌انگیزی چون «تحریک عده‌ای بسکت‌شیشه‌های بانکها و مغازه‌ها» بازداشت میکنند. بقصد تحریک احساسات ضد دانشجویی دانشجویان ایرانی مقیم امریکا را که در اطراف کاخ سفید علیه دیکتاتور ایران دست به تظاهرات زده بودند «دلانه‌ای چانه‌زن بازاری و گردن کلفت‌های خیابانی» مینامند که بملت رفتار آنها «ونه بملت رژیم امروزی ایران که بفرمویگی شهرت یافته» گویا در امریکا «تفر از ایرانیان گسترش و عمومیت پیدا کرده است».

هنگامیکه موج تحریکات رژیم علیه جنبش ضد دیکتاتوری بالا میگردد، نام لیبی و کوبا نیز برده میشود. ولی معلوم نیست خشم مردم ایران که بر اثر خیانت و شقوق هلی بیست و چهار ساله حکومت کودتائی محمد رضا شاه خود بخود زبانه‌بشکند چه نیازی به «آش‌اندازخاسی» دارد؟ جانب‌تراینکه وبایام سولیان سفیر جدید امریکا در ایران که گرچه ماهر است سفیر شده ولی تا حال یکبار هم نطق عمومی نکرده، درست در روزهاییکه مردم رنج دیده ایران علیه استبداد سیاه قد علم کرده‌اند، یکبار هوس سخنانشین گل میکند و ضمن نطق در کلوب روتاری تهران بمنظور مداخله در امور کشور ما و تهدید نیروهای ملی و دموکراتیک ایران صریحاً اعلام مینماید که حکومت استبدادی موجود در ایران و حکومت امپریالیستی امریکا «متحد همدیگرند و بهیچ عنوان از یکدیگر جدا نخواهند شد». غافل از اینکه وان تیو ولونول و سرهنگان سیاه و دیگران نیز گرچه از «متحدان» امپریالیسم امریکا بودند، ولی این «اتحاد» آنها را از سرنگون شدن در زباله دان تاریخ نجات نداد. و در این میان روزنامه «اطلاعات» (البته از قول بی بی سی) اظهار «تعجب» مینماید که «چرا جنبش‌های تروریستی» (از حوادث خیابانی اخیر برای تیراندازی و انفجار بمب استفاده نکرده‌اند؟ - بزبان ساده یعنی که چرا رژیم دیکتاتوری ایران بهانه و دستاویز داده نمیشود تا تانک و توپ خود را بنیابانهای تهران بیورد و مبارزان ضد استبداد را یکبار ه قتل عام نماید؟ در واقع این «تعجب» نیست، بلکه تأسف بی بی سی

جلی قرار گرفته است خیانت نخواهد کرد. توطئه امپریالیسم امریکا، اسرائیل و شاه و دستیاران مرتجع عرب از ضد خلفای خاور نزدیک و میانه باید در هم شکسته شود. این خواست پیشرفت و ترقی تمام خلفای این منطقه است. مهرآبادی

رژیم بدریافت وامهای زیانبار ادامه میدهد

وزارت دارائی در سال ۱۳۵۰ پخشنامه‌ای وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی ارسال داشت و خواست «بمنظور تمرکز کلیه اطلاعات مر واماها و اعتبارهای در یاقی از کشورهای خار رونوش کتیه قرارداد هلی مربوط به اخذ وام های خارجی را بطور مجرمانه بوزارت دارائی بفرم همین مجرمانه نگه‌داشتن قرارداد هلی اخذ وام خود. دلیلی روشن بر شرایط نامساعد و جن ضد ملی آنهاست. والا دولت، برخلاف موا ۲۵ قانون اساسی که باید اخذ هر گونه وام تصویب مجلس برساند، این قرار داد ها را مجلس های فرمایشی پنهان نمیکرد. توضیح دولت هر بار اخذ وام را، بطور کلی، بدو شرایط آن مشخص باشد، یا در متن بودجه یا یا طی ماده واحده به تصویب مجلس میرساند وزارتخانه‌ها و سازمانها خود مستقیماً با انعقاد به اخذ وام می‌پردازند. حتی در سال ۱۳۵۰ رو خبر دادند که بانک اعتبارات صنعتی از مجلس ملی اجازه گرفته است که رأساً برای اخذ وام از خارج اقدام کند. و تمام اینها یعنی تقویت از مهمترین وظایف و حقوق مجلس به مؤسسات و دستگاههای مجریه برخلاف نص قانون اساس است و روزنامه «مردم» در همان زمان (سال) این اقدامات غیر قانونی مجلس و دولت را افشا و با اینکه مقامات دولتی می‌گفتند که «با درآمد نفت» ایران از نظر مالی نیازی به وام ندارد، در برنامه تجدید نظر شده، اخذ وامی ۲٫۲ میلیارد دلار برای سالهای ۵۶ - ۱۳۵۲ بیی شده بود، ولی با در نظر گرفتن وامهای دولت طی سه سال ۵۴ - ۱۳۵۲ دریافت د مطابق بودجه‌های سالهای ۵۶ - ۵۵ باید در برابر میزان این وامها به بیش از ۷ میلیارد دلار بالغ شد. هزینه هلی کمر شکن نظامی، بریاد دا، کشور در راه نجات کشور ها و اتحاد امپریالیستی از دشواریهای مالی و جیف و میل و در آمدهای نفتی و اکنون کوشش برای ثابت نگاه باهی نفت، رژیم را به اخذ اینگونه وامهای زیانبار مجبور کرده است. م.

و «اطلاعات» است. رژیم ضمن شیوه‌های فوق چماق را نیز فر نمیکند. در جریانهای اخیر این چماق اغلب بر گروهی از مأموران سواک و بنام «مردم» بمیدان میشود و درجائی دو هزار تن از این مأموران و مژ ساواکی با بازوبندهای رستخیزی و بنام «دانشنامه هزار نفر اصناف تهران» برای اعتراض اخلاکران، پروژنه «اطلاعات» می‌روند. در دیگر ۷۵۰ نفر از همین «مردمان» ساواکی می‌جهز با و پنجه و پوست و زنجیر و کابل و حتی اسلحه نهانی باماشین دولتی و بنام «کارگران» بیاب آقایی در نزدیکی کلوانرسانگی حمله برده، اجتناب آمیز میهن پرستان را در روز عید قربان مورد قرار داده، سر و دست بیش از ۳۰۰ نفر و از عده‌ای از افراد سرشناس جنبش ملی ایران را میشد در جلی دیگر میان گروهی از همین «مردمان» ساواکی که بلعای رژیم از «گروههای مها متضرر شده‌اند» و یا «توانسته‌اند شهارهی ضد ملی این قبیل بیگانه پرستان (۱) را تحمل کنند» زود درمی‌گیرد. در لاهجان باز عده‌ای از همین «مرد ساواکی زیر نام» اولی دانشجویان و بر دانش حمله برده عده‌ای را زخمی میکنند. در این حمله «مردم» تراشی، سر و کله اشرف پهلوی نیز میشود. او نیز عده‌ای از «مردمان» خود را از اسه زنان ایران» بسیج کرده علیه مردم و بیاری دیکتاتورش می‌نویسد. و بالاخره بعنوان «کشگر العاده حزب رستاخیز» در یک سال چندین هزار تهران تجمی از همین «مردمان» بر پا و و مأمور و مزدور سناخته علیه جنبش ضد دیکتاتوری رجز می‌خوانند و رسانه‌های گروهی رژیم آنرا در کشور و خارج از آن پخش میکنند.

شیوه مقابله رژیم دیکتاتوری با مردم دیکتاتور ایران که نمونه‌هایی از آن ذکر شد از هر چیز پرورشکستی معنوی و افراد عتیق این گواهی میدهد. ع. گ.